

جامعیت قرآن از منظر امام خمینی علیه السلام

ابوطالب ربیع نیا *

چکیده

امروزه بشر نیازمند به وجود مجموعه‌ای از رهنمودها، دستورات و قوانینی است که پاسخ‌گوی نیازهای او در راه دستیابی به سعادت، رشد و پیشرفت در هر عصر- و زمان باشد که در صورت نبود آن احکام و قوانین انسان از دستیابی به تکامل و تعالی بازمی‌ماند. مقاله پیشرو به صورت تحلیلی - توصیفی به بررسی جامعیت قرآن و نقش اساسی و بنیادین آن در سعادت ابدی انسان پرداخته است.

در این نوشتار در مورد جامعیت قرآن، به سه دیدگاه ارائه شده است: دیدگاه اول معتقد است، جامعیت قرآن بدین معنا است که این کتاب الهی جامع علوم اولین و آخرین بوده، و مشتمل بر مسائل جزئی و کلی، در همه علوم است. دیدگاه دوم؛ قرآن را کتاب هدایت دانسته، و تنها به ذکر کلیات مباحث هدایت انسان به سوی سعادت بسنده کرده است. دیدگاه سوم؛ در واقع تعدیل دو نظریه پیشین است. به این معنا که از یک سو همه علوم بشری در ظواهر قرآن وجود ندارد و هدف اصلی آن را هدایتگری به سوی خدا دانسته و از سوی دیگر، قرآن با فراخواندن مردم به سوی دانش، تفکر و ... استخراج مسائل و موضوعات جزئی را به متخصصان امر سپرده است.

بررسی این دیدگاه‌ها و اثبات جامعیت قرآن بر اساس دیدگاه سوم، موضوع این پژوهش است.

واژگان کلیدی: قرآن، جامعیت، جاودانه، جهان شمول.

*. پژوهشگر علوم قرآنی و محقق در عرصه پاسخگویی به شبهات: a.rabinia@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۵

مقدمه

در این نوشتار برآنیم تا با تکیه بر اندیشه‌های امام خمینی علیه السلام به این پرسش پاسخ دهیم که چگونه قرآنی که در یک منطقه محدود و با توجه به شرایط زمانی و مکانی خاص نازل شده، می‌تواند پاسخگوی نیازهای بشر در طول تاریخ و جوامع مدرن برای همیشه باشد. قرآن کریم به شهادت خود، کتابی جهان شمول و جاودانه است (انعام: ۹۰). دربردارنده نیازهای بشر در هر زمان و مکان بوده و اختصاص به نژاد، منطقه و گروه خاص ندارد (مدثر: ۳۶). خدای متعال، محتوا و معارف قرآن را به گونه‌ای تنظیم کرد که تا همیشه تاریخ و در هر عصر و زمان همه مردم بتوانند از معارف زلال و ناب آن بهره‌مند شوند و راه‌گشای گره‌های زندگی‌شان باشد.

تاریخ قرآن و تفسیر آن بیانگر آن است که به برکت قرآن در هر زمانی، معارف جدیدی به روی روشنفکران گشوده شد و میوه‌های معرفتش در هر عصر پرسش‌ها و نیازهای بشر را پاسخ داده و تشنگان معارف الهی را سیراب کرده است.

معنای جامعیت

جامعیت در این‌جا؛ یعنی وجود مجموعه رهنمودها، دستورات و قوانینی که پاسخ‌گوی نیازهای انسان در راه دستیابی به سعادت، رشد و پیشرفت در هر عصر و زمان باشد که در صورت نبود آن احکام و قوانین، انسان از دستیابی به تکامل و تعالی بازمی‌ماند. بنابراین، مراد از جامعیت قرآن؛ یعنی قرآن دربردارنده قوانین، دستورات و رهنمودهایی است که در سعادت ابدی، هدایت، رشد و پیشرفت انسان در زندگی فردی و اجتماعی، مادی و معنوی نقش اساسی و بنیادین دارد و تعالیم و آموزه‌های آن به گونه‌ای است که تمامی اهداف و مقاصد خویش‌نظیر سعادت، کمال، خوشبختی و هدایت انسان‌ها را می‌تواند تأمین کند و در این زمینه هیچ کمبودی ندارد.

از آن‌جا که به دست آوردن سعادت و حیات معنوی انسان از مسیر دین و در گذر مسائل و موضوعات مطرح در دین میسر است. وانگهی عقل به تنهایی، توان دستیابی بدان‌ها را ندارد. بنابراین، دین خود را ملزم به بیان آنها نموده، تا نیازهای انسان را جهت کسب حیات معنوی و تأمین آنها نشان دهد.

امام خمینی (ره) درباره معنای جامعیت قرآن می‌گوید:

جامعیت آن [قرآن] عبارت از آن است که چون برای جمیع طبقات انسان در تمام ادوار عمر بشری نازل شده و رافع تمام احتیاجات این نوع است و حقیقت این نوع، چون حقیقت جامعه است و واجد تمام منازل است، از منزل اسفل مُلکی تا اعلی مراتب روحانیت و ملکوت و جبروت و از این جهت افراد این نوع در این عالم اسفل ملکی اختلافات تامّه دارند و آن قدر تفاوت و اختلافی که در افراد این نوع است، در هیچ‌یک از افراد موجودات نیست - این نوع است که شقیّ در کمال شقاوت و سعید در کمال سعادت دارد، این نوع است که بعضی از افراد آن از جمیع انواع حیوانات پست‌تر و بعضی افراد آن از جمیع ملائکه مقربین اشرف است - بالجمله، چون افراد این نوع در مدارک و معارف، مختلف و متفاوتند، قرآن به‌طوری نازل شده که هر کس به حسب کمال و ضعف ادراک و معارف و به حسب درجه‌ای که از علم دارد از آن استفاده می‌کند (خمینی، آداب الصلاة، ۱۳۷۸، ص ۳۰۹ - ۳۱۰).

امام خمینی (ره) معتقد است، مراد از جامعیت قرآن، آن نیست که کلیّات و ضوابط را بیان فرمودند، بلکه جامعیت آن عبارت از آن است که چون برای جمیع طبقات انسان در تمام ادوار عمر بشری نازل شده، برآورنده تمام احتیاجات بشری است (همان).

این سخن حضرت امام به این معنا است که چون قرآن جامع است؛ لذا هم در همه زمان‌ها قابل اجراست و هم همه احتیاجات و نیازهای بشر در آن آمده است؛ یعنی احکام شرع حاوی قوانین و مقررات متنوعی است که یک نظام کلی اجتماعی را می‌سازد. در این نظام حقوقی هر چه بشر نیاز دارد، فراهم آمده است. از طرز معاشرت با همسایه، اولاد، عشیره، قوم و خویش، همشهری و امور خصوصی و زندگی زناشویی گرفته تا مقررات مربوط به جنگ و صلح و تعامل با سایر ملت‌ها.

بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران در جایی دیگر می‌گوید:

قرآن مجید و سنت شامل همه دستورات و احکامی است که بشر برای سعادت و کمال خود احتیاج دارد. در کافی فصلی است به‌عنوان «تمام احتیاجات مردم در کتاب و سنت بیان شده است» و کتاب؛ یعنی قرآن، تبیان کل شیء است. روشن‌گر همه چیز و همه امور است. امام سوگند یاد می‌کند (طبق روایات) که تمام آنچه ملت احتیاج دارد در کتاب و سنت است و در این شکی نیست (خمینی، ولایت فقیه، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۲۹).

ضرورت جامعیت

از نگاه امام خمینی علیه السلام نه تنها قرآن جامع تمام نیازها و خواسته‌ها و... بشر است؛ بلکه این جامعیت برای قرآن کریم ضرورت دارد. به اعتقاد حضرت امام، از آن‌جا که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم آخرین پیام‌آور الهی و خاتم پیامبران است. دین و شریعتش کامل‌ترین ادیان است و پس از آن دینی از سوی خداوند برای انسان‌ها نمی‌آید. این خاتمیت اقتضا دارد که قرآن کریم و دین اسلام، جامع‌ترین شرایع الهی باشد و کامل‌تر از آن قابل تصور نیست. این ضرورت در کلام امام علیه السلام، چنین آمده است:

«چون نبوت ختمیه و قرآن شریف و شریعت آن سرور، از مظاهر و مجالی یا از تجلیات و ظهورات مقام جامع احدی و حضرت اسم الله الأعظم است، از این جهت محیط‌ترین نبوات و کتب و شرایع و جامع‌ترین آن‌هاست و اکمل و اشرف از آن‌ها تصور نشود و دیگر از عالم غیب به بسیط طبیعت، علمی بالاتر یا شبیه به آن تنزل نخواهد نمود؛ یعنی آخرین ظهور کمال علمی، مربوط به شرایع است و بالاتر از این امکان نزول در عالم ملک ندارد. پس خود رسول ختمی اشرف موجودات و مظهر تام اسم اعظم است و نبوت او نیز اتم نبوات ممکنه و صورت دولت اسم اعظم است که ازلی و ابدی است و کتاب نازل به او نیز از مرتبه غیب به تجلی اسم اعظم نازل شده و از این جهت، از برای این کتاب شریف احدیت جمع و تفصیل است و از "جوامع کلم" است» (خمینی، آداب الصلاة، ۱۳۷۸، ص ۳۰۹-۳۱۰).

بنابراین، چون دین اسلام آخرین دین الهی است و شریعتی پس از آن نمی‌آید، و قرآن آخرین کتاب آسمانی از سوی خدا برای مردم است، از این جهت ضروری است که جامع باشد.

قلمرو جامعیت

در موضوع جامعیت قرآن در میان مفسران، اندیشمندان و متفکران مسلمان سه دیدگاه وجود دارد.

دیدگاه اول

گروهی معتقدند دین جامع همه علوم و معارف بشری است. این گروه قرآن را دارای جامعیت به معنای دربردارنده علوم اولین و آخرین دانسته و معتقدند قرآن مشتمل بر



مسائل جزئی و کلی، انسانی و تجربی، تاریخی و فلسفی و بسیاری از موضوعات است. این دیدگاه در حقیقت قرآن را بسان یک دائرة المعارف می‌داند که جزئی‌ترین مسائل مورد نیاز بشر در آن وجود دارد.

غزالی، زرکشی، سیوطی، در زمره این گروه از مفسران قرار دارند. اینان با استناد به آیات ۸۹ سورة نحل: «... وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ...»؛ و این کتاب را که توضیحی برای همه چیز است، بر تو نازل کردیم و آیه ۱۱۱ سورة یوسف: «... وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ...»؛ و قرآن... بیانگر هر چیزی است. می‌گویند این دو آیه دلالت دارد بر این‌که قرآن جامع مطالب و بیانگر و تفصیل دهنده هر چیزی است.

آنان همچنین با استناد به روایاتی نظیر این روایت: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمْ يَدَعْ شَيْئًا تَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْأُمَّةُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِلَّا أَنْزَلَهُ فِي كِتَابِهِ ، وَ بَيَّنَّهُ لِرَسُولِهِ...» (حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹ق، ج ۲۸، ص ۱۶)؛ خدای متعال هر چیزی را که مردم تا روز قیامت نیاز دارند، در قرآن آورده است و برای پیامبرش بیان کرده...؛ می‌گویند: قرآن جامع تمام علوم و نیازهای بشر است (غزالی، احیاء العلوم، [بی‌تا]، ج ۱۱، ص ۴۱؛ زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۱۳۷۶ق، ج ۲، ص ۱۸۱؛ سیوطی، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۱۲۷).

دیدگاه دوم

این دیدگاه معتقد است، قرآن تنها کتاب هدایت است، نه کتاب دائرة المعارف. این گروه جامعیت قرآن را تنها در ذکر کلیات و بیان ارزش‌ها می‌دانند و جامعیت را در ارائه رهنمود به سوی سعادت و کمال و رشد معنوی می‌دانند. آنان تأکید می‌کنند هر چه در هدایت به سوی سعادت انسان نقش دارد، در دین فروگذار نشده است. این نظریه طرفدارانی از قدیم داشته و دارد (ر.ک: ایازی، جامعیت قرآن، ۱۳۸۰، ص ۶۸ به بعد؛ رستمی، سیمای طبیعت در قرآن، ۱۳۸۶، ص ۲۵ به بعد).

دیدگاه سوم

این دیدگاه در واقع تعدیل دو نظریه پیشین است. معتقدان به این نظریه از طرفی بر این باورند که همه علوم بشری در ظواهر قرآن وجود ندارد و هدف اصلی آن نیز هدایتگری به سوی خدا است، ولی از طرف دیگر قرآن کریم با فراخواندن مردم به سوی دانش، تفکر و ...

استخراج مسائل و موضوعات جزئی را به متخصصان امر سپرده است.

بر اساس این دیدگاه، ممکن است بسیاری از علوم که هم اکنون مطرح و دربارهٔ هدایت و کمال انسانی است در قرآن وجود داشته باشد؛ اما نه به این معنا که قرآن کتابی باشد که به علم حقوق، سیاست، بهداشت و ... به معنای مصطلح آن پرداخته باشد؛ بلکه اصول و ارزش‌هایی را مطرح کرده که می‌توان بر اساس آن یک نظام حکومتی، حقوقی و سیاسی و... را از آن استخراج کرد. این دیدگاه امام خمینی و بسیاری از مفسران و اندیشمندان است.

با توجه به آنچه گفته شد، تفاوت دیدگاه سوم با دیدگاه اول و دوم در این است که دیدگاه اول به طور مطلق قرآن را دربردارنده کوچک‌ترین و ریزترین مسائل مورد نیاز بشر- می‌داند؛ و دیدگاه دوم اساساً معتقد است که قرآن کتاب هدایت به سوی کمال و سعادت انسان برای رسیدن به خداست و به مسائل کلی در این زمینه بسنده کرده است.

اما دیدگاه سوم، قرآن را بسان قانون اساسی می‌داند که کلیات مسائل در آن مطرح شده؛ اما جزئیات را می‌توان از آن استخراج نمود.

در این قسمت از بحث ابتدا نظریات برخی از بزرگان و اندیشمندان معاصر را مرور می‌کنیم، آن‌گاه دیدگاه‌های حضرت امام را در این باره بررسی می‌کنیم.

استاد مصباح یزدی در این باره می‌فرماید:

معنای جامعیت قرآن به این معنا نیست که قرآن بسان یک دائرة المعارف یا حل المسائل در پی پاسخگویی به تمام مشکلات ریز و درشت زندگی بشر باشد، قطعاً به این معنا نبوده و نیست؛ بلکه بیانگر خطوط اصلی و کلی سعادت و تکامل انسان است. به بیان دیگر، قرآن خطوط اصلی ترقی و تکامل انسانی را روشن می‌کند و جامعه اسلامی موظف است با نیروی فکر و اندیشه و استفاده از تجارب علمی بشری زمینه تحقق اهداف بلند قرآنی را فراهم آورد (مصباح یزدی، قرآن در آیین نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ص ۲۰).

علامه طباطبائی در تفسیر المیزان به مسئله جامعیت پرداخته و تبیان بودن قرآن (...وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ...) را در رابطه با مسائلی می‌داند که مربوط به هدایت مردم باشد و آنچه را مردم در این راه به آن نیازمندند (طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۳۲۴).

امام خمینی (ره) با توجه به شرایط و به مناسبت‌های مختلف درباره جامعیت قرآن سخن گفته و حدود آن را تبیین کرده است. در این جا برخی از آنها را به اختصار مرور می‌کنیم:

امام خمینی درباره قلمرو جامعیت قرآن می‌گوید:

«مذهب اسلام که سندش قرآن است... مشتمل بر همه چیز است؛ یعنی يك كتاب آدم‌سازی است، همین‌طور که آدم همه چیز است، معنویت دارد، مادیت دارد، ظاهر دارد، باطن دارد. قرآن کریم هم که آمده است این انسان را بسازد، همه ابعاد انسان را می‌سازد؛ یعنی کلیه احتیاجاتی که انسان دارد» (صحیفه امام، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۴۴۸).

«... احکام شرع حاوی قوانین و مقررات متنوعی است که یک نظام کلی اجتماعی را می‌سازد. در این نظام حقوقی هر چه بشر نیاز دارد، فراهم آمده است. از طرز معاشرت با همسایه، اولاد، عشیره، قوم و خویش، همشهری و امور خصوصی و زندگی زنashویی گرفته، تا مقررات مربوط به جنگ و صلح و مراوده با سایر ملل» (خمینی، ولایت فقیه، ۱۴۳۴ق، ص ۲۱).

ایشان معتقد است انسان با مراجعه به احکام الهی از عظمت آنها به شگفت می‌آید؛ چراکه برای انسان حتی قبل از خلقتش قانون وضع کرده است. وی در این باره می‌گوید:

خدای تبارک و تعالی به وسیله رسول اکرم قوانینی فرستاد که انسان از عظمت آنها به شگفت می‌آید. برای همه امور قانون و آداب آورده است. برای انسان پیش از آن که نطفه‌اش منعقد شود تا پس از آن که به گور می‌رود، قانون وضع کرده است. همان‌طور که برای وظایف عبادی قانون دارد، برای امور اجتماعی و حکومتی قانون و راه و رسم دارد (خمینی، ولایت فقیه، ص ۲۱، ۱۴۳۴ق).

هیچ موضوع حیاتی نیست که اسلام تکلیفی برای آن مقرر نداشته و حکمی درباره آن نداده باشد (همان).

البته، این نظریات امام (ره) به این معنا نیست که تمام مسائل مورد نیاز بشر به صورت ریز در قرآن آمده؛ بلکه امام در جایی دیگر به این مطلب تصریح دارد که قرآن دربردارنده قوانین کلی و اساسی مورد نیاز بشر است (خمینی، کشف الاسرار، [بی‌تا]، ص ۳۵).

بنابراین، آنچه که از مجموع سخنان امام و دیگر عالمان دربارهٔ حدود جامعیت استفاده می‌شود، همان دیدگاه سوم است و آن این است که، قرآن کریم درصدد بیان راه‌های کلی و خطوط اصلی نیازهای بشر است. این خطوط کلی چراغ‌هایی هستند که جهت سیر و حرکت را به انسان نشان می‌دهند. البته توجه به این نکته ضروری است که خدای متعال، برای رسیدن به سعادت و رستگاری در دنیا و آخرت و رفع مشکلات و تحقق جامعه‌ای مترقی دو چیز در اختیار بشر قرار داده، یکی دین، قرآن و پیامبر (حجت بیرونی)، و دیگری عقل (حجت درونی)، پس بقیهٔ مسائل به عهدهٔ عقل و اجتهاد گذاشته می‌شود.

توجه به این نکته ضروری است که دریافت‌ها و برداشت‌های عقل و تبیین قرآن و تطبیق آن بر موارد جزئی زندگی بشر- هنگامی معتبر است که به مدد آموزه‌های اهل‌بیت (علیهم‌السلام) و با الهام از سیره و تأییدات آنان باشد؛ چراکه پس از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) این مهم بر عهدهٔ اهل‌بیت (علیهم‌السلام) نهاده شد، و آن بزرگان در زمان‌های گوناگون، در صلح و جنگ و در فراز و نشیب‌های زندگی مسلمانان و جامعهٔ اسلامی، معارف قرآن را همواره برای مردم تبیین و تفسیر نموده‌اند.

در حدیثی از امام صادق (علیه‌السلام) نقل شده است: «إِنَّمَا عَلَيْنَا أَنْ نُلْقِيَ إِلَيْكُمْ الْأُصُولَ، وَ عَلَيْكُمْ أَنْ تُفَرِّعُوا» (وسائل الشیعة، ۱۴۰۹ق، ج ۱۸، ص ۴۰).

بر ما است که اصول را به شما ارائه دهیم و بر شما است که تفریح فروع کنید و فروع دین را از قواعد کلی استخراج کنید.

این سخنان از ائمه (علیهم‌السلام) بیانگر آن است که اساساً پیامبر، قرآن و ائمه (علیهم‌السلام) رسالتشان این نبود که به تک تک احکام بپردازند؛ بلکه با ارائهٔ اصول، فروع مسائل را به عقل بشر و انواده‌اند تا با کاوش و به کارگیری حجت درونی، نیازهای خود را از قرآن فراگیرند و این مسئله هیچ خدشه‌ای به جامعیت قرآن وارد نمی‌کند.

در نتیجه اگرچه بسیاری از احکام و مسائل مورد نیاز بشر به‌صورت ریز در قرآن نیامده و ضروری هم به نظر نمی‌رسد؛ اما این مسائل به عهدهٔ اجتهاد و عقل بشر گذاشته شد. قرآن عالمان و متخصصانی را پیش‌بینی کرد که با استفاده از اصول کلی به تبیین مسائل جزئی می‌پردازند و کلیات دین را با شرایط و مقتضیات زمان و مکان تطبیق می‌دهند و احکام الهی و هر آنچه که مورد نیاز بشر در راه رشد و تعالی است را از آن استخراج می‌کنند.

دلایل و شاخصه‌های جامعیت

جامعیت و جاودانگی هر مکتب و آیینی با تعالیم، پیام‌ها و هدف‌ها، تأمین نیازها و برنامه‌هایی که برای زندگی مادی و معنوی انسان‌ها در تمامی اعصار و قرون ارائه می‌دهد، بستگی تام دارد.

به بیانی دیگر، دین، مکتبی جامع است که پیام‌ها، تعالیم و آموزه‌های آن مطابق با خواسته‌ها و نیازها و انتظارات بشر باشد. به اعتقاد ما دین اسلام و قانون اساسی آن، که قرآن کریم است، از این جهت تمامی مسائل و موضوعاتی که بشر- در طریق سعادت و تکامل و دستیابی به رشد و تعالی معنوی و مادی خویش به آنها نیازمند است، دربردارد. جامعیت قرآن کریم، جهانی بودن و جاودانگی دستورات و قوانین آن از طرق و راه‌های مختلف قابل اثبات است. در این‌جا مجال و فرصت آن نیست که به‌صورت مفصل به تک تک معیارهای جامعیت قرآن بپردازیم و ثابت کنیم که قرآن و دین حیات‌بخش اسلام تمام معیارها و شاخصه‌های دین جامع را دارد؛ اما به‌طور اختصار به چند مورد اشاره می‌کنیم:

الف) فطرت

یکی از اموری که جامعیت قرآن و جاودانه بودن دین اسلام را ثابت می‌کند، این است که آموزه‌ها و تعالیم قرآن کریم با قوانین فطری بشر هماهنگی کامل دارد.

یکی از شاخصه‌های جامعیت یک دین، وجود احکام و مقرراتی است که به نیازهای ابتدایی و اساسی‌ترین و ضروری‌ترین خواسته‌ها و احتیاجات بشر- توجه کرده باشد و دستورات و قوانین آن، مطابق با فطرت انسانی باشد.

بنابراین، اگر طبیعت و سرشت بشر به‌طور کلی و در همهٔ زمان‌ها و مکان‌ها یکسان باشد و دینی به نیازمندی‌هایی که از عمق نهاد او برخاسته توجه کرده باشد و همهٔ جنبه‌های آن را لحاظ کرده باشد، این دین و احکامش می‌تواند جاودان باشد.

بدیهی است که فطرت آدمی، حقیقی ثابت و غیرقابل تبدیل و دگرگونی است و چون مبانی اصول اسلام مطابق با فطرت آدمی است؛ یعنی پاسخگوی نیازها، خواسته‌ها و انتظارات فطری انسان‌ها است، لاجرم برای همیشه باقی و جاوید خواهد ماند. پس در نتیجه قرآن هیچ‌گاه کهنه و مندرس نخواهد شد.



البته، انسان اگرچه برحسب فطرت، حق را از باطل تشخیص می‌دهد؛ میان خوبی‌ها و زشتی‌ها فرق می‌گذارد: «فَاللَّهُمَّهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا» (شمس، ۸)؛ و به او خیر و شر را الهام کرد، ولی دین برای یادآوری و اتمام حجت می‌آید. بنابراین، اگر دین و حقایق دینی با فطرت آدمی سازگار بود و به جنبه‌های مختلفی که انسان در مسیر زندگی و تعالی و تکامل به آن نیازمند است، پرداخت و نیاز او را تأمین کرد، در آن صورت آن دین جامع و کامل است و توان آن را دارد که در برخورد با تحولات زمانه، پویا و فعال برخورد کند و احکام آن مندرس و کهنه نشود (ایازی، جامعیت قرآن، ۱۳۸۰، ص ۱۱۸-۱۱۹).

سیستم قانون‌گذاری اسلام بر اساس فطرت آدمی استوار است و هیچ‌گونه تضاد و اختلافی میان دستورات آن و فطرت انسان وجود ندارد و اساساً رمز جاودانگی آن در همین نکته نهفته است. آن بیان نورانی امام بیان علی (ع) که می‌فرماید: «... لَيْسَتْ أَدْوُهُمْ مِثَاقَ فِطْرَتِهِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱)؛ یعنی آن‌بیا برای آن آمده‌اند که از مردم بخواهند به این پیمان فطرت عمل کنند، بیانگر همین نکته است.

علامه طباطبایی (ع) در پاسخ به این پرسش که آیا اسلام می‌تواند جهان بشریت را با وضع حاضر اداره کند، می‌نویسد:

این سؤال نیز به نوبه خود خالی از غرابت نیست و با توجه به‌معنای حقیقی اسلام - که دعوت قرآنی بر آن استوار است - بسیار شگفت آور است؛ زیرا اسلام؛ یعنی راهی که دستگاه آفرینش انسان و جهان برای انسان نشان می‌دهد. اسلام؛ یعنی آیین و مقرراتی که با طبیعت ویژه بشری تطبیق می‌پذیرد و به حسب سازش کاملی که با فطرت و طبیعت انسانی دارد. نیازمندی‌های واقعی ... انسان را تأمین می‌نماید (طباطبائی، مجموعه مقالات و پرسش‌ها و پاسخ‌ها، ۱۳۷۱ ش، ص ۴۷، ص ۲۵۹).

این‌که دین اسلام هماهنگ و منطبق با فطرت انسانی است، در نگاه امام (ع) از ضروریات و بدیهیات است. امام معتقد است:

«... بسیاری از احکام دینی به‌طوری از وضاحت و ضروریات شده است که اگر از او سؤال شود، باید سؤال‌کننده را جزو دیوانگان و بی‌خردان شمرد، مانند آنکه کسی بگوید: از کجا که حضرت محمد بن عبدالله (ص) دعوی پیغمبری کرد و از کجا که قرآن کتاب دینی



اوست؟ همین طور که اینها جوابی جز استهزا ندارد، اگر کسی هم سؤال کند به چه دلیل قانون اسلام برای همیشه است و پیغمبر اسلام پیغمبر آخرالزمان و آخر پیغمبران است، جوابی جز استهزا ندارد...» (کشف الاسرار، [بی تا]، ص ۳۰۹).

استاد مطهری (ره) اساساً رمز دوام و جاودانگی دین را در هماهنگی آن با فطرت بشر می‌داند. وی در این باره می‌گوید:

سرماندگاری دین، علاوه بر اینکه برآورنده بی‌بدیل نیازهای انسان است، این است که خود نیز در نهاد بشر به صورت یک خواسته متجلی است و جزو خواسته‌های فطری و عاطفی بشر است... و مقتضای فطرت و طبیعت انسان است، لذا باقی و برقرار است (ر.ک: مطهری، مجموعه آثار، [بی تا]، ج ۳، ص ۳۸۴-۳۸۸).

بی‌گمان، یکی از ارکان جامعیت و جاودانگی قرآن کریم، هماهنگی آن با فطرت و عقل بشر است؛ زیرا چگونه ممکن است کتابی برای راهنمایی و هدایت انسان نازل گردد و هماهنگی عمیق با جهان شگفت و ژرف از یک سو و با جهان ملکوتی آدمی از سوی دیگر نداشته باشد، ولی همچنان راهنما و هدایتگر باقی بماند؟ (جوادی آملی، قرآن در قرآن، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۹۳).

بنابراین، قرآن کریم یادآوری و تذکره‌ای برای فطرت همه انسان‌ها است؛ فطرتی که خدایی است و با اصول و معارف دینی آشنایی دیرینه و عمیق دارد و آموزه‌هایش با فطرت آدمی سازگار است.

(ب) عقلانی بودن

یکی دیگر از دلایل و شاخصه‌های جامعیت، عقلانی بودن آن است. تعالیم دین و آموزه‌های قرآن متکی بر عقل و مطابق با احکام عقلایی است. عقلانی بودن احکام و قوانین شرع و تبعیت آن از مصالح و مفاسد، موجب جاودانه شدن آن است. به بیانی دیگر، یک سری از احکام و قوانینی که تمام عقلای عالم آنها را می‌پسندند و مورد قبول آنها است، نظیر پسندیده بودن «عدل» و تقبیح «ظلم» بنابراین، از آنجا که احکام این چنینی از گذشته تا به امروز و در آینده، وجود دارد؛ لذا دین اسلام هم که مبتنی بر چنین احکامی است، برای همیشه باقی و جاودان خواهد بود.

از نگاه امام خمینی علیه السلام این نوع احکام عقلی، از چنان بداهت و وضوح برخوردار است که در آن نیازی به دلیل وجود ندارد. امام معتقد است، خوبی عدل و بدی ظلم، یا بهتر بودن دانایی از نادانی، و... از احکام ضروری عقل است (ر. ک: کشف الاسرار، ص ۳۰۹).

ج) خاتمیت

ختم نبوت و اعلان پایان نزول وحی، دلیل گویای جامعیت و جاودانگی قرآن کریم است. خاتمیت پیامبر و دین اسلام از مسائل اجماعی میان مسلمانان است. به این معنا که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آخرین پیامبر و دین اسلام آخرین و کامل‌ترین دین الهی است و پس از پیامبر اسلام پیامبر دیگری مبعوث نشده و نخواهد شد. طبق این عقیده می‌توان جامعیت قرآن و دین اسلام را ثابت کرد. با این بیان که فلسفه فرستادن پیامبران از طرف خدای متعال به سوی مردم، هدایت مردم از طریق وحی بوده است. خداوند از این طریق خواسته با بیان عقاید و راهنمایی به احکام و مقررات در جهت سعادت و رشد و معنویت، مردم را در مسیر هدایت و سعادت قرار دهد و از آن‌جا که زندگی انسان همواره در حال دگرگونی و تکامل است و نیازمند آن است که دینی فرستاده شود که دربردارنده تمام نیازهای بشر باشد، پس پیامبر اسلام که خاتم پیامبران است، از این جهت باید دارای خصوصیتی باشد که نیازمند تجدید نبوت و تجدید شریعت و کتاب نباشد (ایازی، جامعیت قرآن، ۱۳۸۰، ص ۳۷ - ۳۸).

همان طور که در بخش ضرورت جامعیت آمده حضرت امام علیه السلام با بیان عرفانی از طریق خاتمیت بر جامعیت و جاودانگی قرآن کریم استدلال می‌کند.

همچنین امام با استناد به آیه ۴۰ سوره احزاب: «مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ» می‌گوید: در این آیه خدا ختم پیغمبری را به پیغمبر اسلام اعلان کرد، پس قانون آسمانی و دستور خدایی که باید به وسیله پیغمبران بیاید دیگر برای بشر- نخواهد آمد (خمینی، کشف الاسرار، [بی‌تا]، ص ۳۰۷).

وی می‌گوید:

«قانون اسلام که آخرین قوانین خدایی است، به حکم این آیه برای همیشه و همه توده بشر خواهد بود و قانون‌های اروپایی که امروز [رژیم طاغوت] در کشور ما نیز معمول است جز سیاه مشقی نیست و نباید عملی باشد» (همان).

د) عمومیت مخاطبان

یکی دیگر از دلایل جامعیت قرآن، شناخت مخاطبان قرآن کریم و دین اسلام است. بدون تردید مخاطبان قرآن تمامی انسان‌ها با هر رنگ و نژاد، فرهنگ و زبان و... هستند، طبق این مبنا در هر گوشه‌ای از جهان انسانی وجود داشته باشد، قرآن در آن‌جا حضور دارد و او مخاطب قرآن است.

بدین معنا که تعالیم و دستورات قرآن اختصاص به قشر- و گروه خاص ندارد؛ بلکه مخاطب آن تمام مردم زمین اعم از سیاه و سفید، عرب و عجم و... هستند.

برخی از آیاتی که بیانگر جهان‌شمولی قرآن و مرز ناپذیری تعالیم دین اسلام است، همچنین بیانگر این حقیقت است که مخاطبان دین تمامی انسان‌ها در همه اعصار هستند، و احکامش مربوط به تمامی آدمیان است، از این قرار است. البته در قرآن کریم آیات فراوانی وجود دارد که ناظر به جامعیت دین است و به صراحت و یا اشاره، از جامعیت قرآن سخن می‌گوید، اهداف و برنامه‌های خود را بیان می‌کند و قلمرو موضوعات خویش را روشن می‌سازد، و اعلام می‌دارد که قرآن و احکام اسلام برای همیشه و همه توده بشر است. ما در این مقاله به جهت اختصار به بعضی از آنها استناد می‌کنیم:

۱. آیه ۱ از سوره فرقان: «تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا»؛

۲. آیه ۹۰ از سوره انعام: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ»؛

۳. آیه ۱۰۷ از سوره انبیا: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ».

امام خمینی با استناد به این آیات، می‌گوید: در این آیات و بسیاری دیگر که به این مضمون وارد است، خدا پیغمبر اسلام را بیم دهنده و رحمت برای تمام جهانیان خوانده و قرآن را تذکره و قانون همه جهانیان قرار داده و شک نیست که تمام افراد بشر در هر دوره پیدا شوند و در هر کشوری زیست کنند، از جهانیان هستند. پس، به موجب این آیات، پیغمبر برای همه قانون آورده و اسلام قانون همه جهانیان است، هر کس باشد و هر وقت باشد و هر جا باشد. اگر قانون برای یک زمان یا یک گروه باشد، تخلف از آن برای دیگر مردم بی‌مورد و عمل کردن به آن از نیکی‌ها نیست، تا پیامبر بیم‌دهنده همه جهانیان و رحمت برای همه عالمیان باشد و قرآن تذکره برای همه عالم باشد (همان).



وی با استناد به خطاب‌های قرآن می‌گوید:

اسلام برای يك کشور، برای چند کشور، برای يك طایفه، حتی برای مسلمین نیست، اسلام برای بشر آمده است. خطاب‌های اسلام یا «ایها الناس» است، گاهی «یا ایها المؤمنون» است و الا «یا ایها الناس» است (صحیفه امام، ۱۳۸۹، ج ۱۱، ص ۲۹۵).

امام خمینی علیه السلام سرّ جاودانگی قرآن را در همین نکته می‌داند و می‌گوید: «باید بدانیم، حکمت آنکه این کتاب جاوید ابدی که برای راهنمایی بشر به هر رنگ و ملیت و در هر قطب و قطر، تا قیام ساعت نازل گردیده است، آن است که ... بفهماند که مسائل کتاب برای يك عصر و يك ناحیه نیست...» (همان، ج ۲، ص ۹۳).

بنابراین، قرآن کریم، با صراحت اعلام می‌کند که اسلام یک رسالت جهانی و عمومی دارد و اختصاص به یک قوم و ملت ندارد و برنامه زندگی بشر است. هدفش اصلاح، رشد انسان و مجتمع انسانی است؛ لذا اگر دعوت قرآن عام و فراگیر است، بدیهی است که قوانینش باید به‌گونه‌ای باشد که نیازهای طبقات مختلف را تأمین نماید و پاسخگوی مشکلات آنها باشد. از این جهت جهانی بودن دین، مستلزم جامع بودن آن نیز هست.

خدای متعال هر چیزی را که مردم تا روز قیامت نیاز دارند، در قرآن آورده است و برای پیامبرش بیان کرده و برای هر چیزی رمزی و حدودی قرار داده و بر آن دلیلی که هدایت کند قرار دادند و بر کسی که تجاوز و تعدی از آن بنماید، حدّی مقرر فرموده‌اند.

هـ) شناخت گستره عرصه‌های مختلف زندگی

یکی دیگر از راه‌های شناخت جامعیت قرآن کریم و جهانی بودن دستورات و قوانین آن، شناخت اهداف و برنامه‌های قرآن کریم است. از اهداف و برنامه‌هایی که قرآن معرفی می‌کند، استفاده می‌شود که گستره آموزه‌ها و تعالیم قرآن بسیار فراتر از یک سلسله مسائل و موضوعات اخلاقی، عبادی و فردی است؛ بلکه شامل مسائل و موضوعات اجتماعی؛ نظیر اقتصاد، سیاست، فرهنگ، حقوق و ... است؛ زیرا که اهداف و مقاصد بلندی؛ مانند: عدالت اجتماعی، آزادی انسان‌ها از بردگی و اسارت قدرت‌های بزرگ، ساختن جامعه معتدل و ... نشان از ورود دین در عرصه‌های مختلف زندگی انسان دارد.

تعالیم و آموزه‌های آن به‌گونه‌ای است که تمامی اهداف و مقاصد خویش؛ نظیر

سعادت، کمال، خوشبختی و هدایت انسان‌ها را می‌تواند تأمین کند و در این زمینه هیچ کمبودی ندارد. بنابراین، اهداف و برنامه‌هایی که قرآن در پی تحقق آن است، بیانگر این حقیقت است که دین اسلام، دین جهانی است؛ زیرا همان‌گونه که بیان شد مخاطبانش گروه خاصی نیستند.

جمع‌بندی

از نگاه امام خمینی رحمه الله مکتبی از جامعیت برخوردار است که پیام‌ها، تعالیم و آموزه‌های آن مطابق با خواسته‌ها، نیازها و انتظارات بشر باشد. این جامعیت را برای قرآن کریم که قانون اساسی دین اسلام است با پنج دلیل، ثابت می‌کند:

۱. فطرت: یکی از اموری که جامعیت قرآن و جاودانه بودن دین اسلام را ثابت می‌کند، این است که آموزه‌ها و تعالیم قرآن کریم با قوانین فطری بشر هماهنگی کامل دارد.

۲. عقلانی بودن: تعالیم دین و آموزه‌های قرآن متکی بر عقل و مطابق با احکام عقلایی است.

۳. خاتمیت: ختم نبوت و اعلان پایان نزول وحی، دلیل گویای جامعیت و جاودانگی قرآن کریم است.

۴. عمومیت مخاطبان: بی‌گمان مخاطبان قرآن تمامی انسان‌ها با هر رنگ و نژاد، فرهنگ و زبان و... هستند.

۵. شناخت گستره عرصه‌های مختلف زندگی: گستره آموزه‌ها و تعالیم قرآن بسیار فراتر از یک سلسله مسائل و موضوعات اخلاقی، عبادی و فردی است؛ بلکه شامل مسائل و موضوعات اجتماعی؛ نظیر اقتصاد، سیاست، فرهنگ، حقوق و... است؛ زیرا اهداف و مقاصد بلندی؛ مانند: عدالت اجتماعی، آزادی انسان‌ها از بردگی و اسارت قدرت‌های بزرگ، ساختن جامعه معتدل و... نشان از ورود دین در عرصه‌های مختلف زندگی انسان دارد.



فهرست منابع

- قرآن کریم
 نهج البلاغه.
۱. ایازی، سید محمدعلی، جامعیت قرآن، چاپ دوم، رشت: کتاب مبین، ۱۳۸۰.
 ۲. جوادی آملی، عبدالله، قرآن در قرآن، قم: اسراء، ۱۳۷۸.
 ۳. حر عاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، قم: مؤسسة آل البيت علیه السلام، ۱۴۰۹ق.
 ۴. رستمی، محمدحسن، سیمای طبیعت در قرآن، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۶.
 ۵. زرکشی، بدرالدین، البرهان فی علوم القرآن، محقق، محمد أبوالفضل إبراهیم، [بی‌جا]: دار احیاء الکتب العربیة، ۱۳۷۶ق.
 ۶. سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، چاپ دوم، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۲۱ق.
 ۷. طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
 ۸. طباطبائی، سید محمدحسین، مجموعه مقالات و پرسش‌ها و پاسخ‌ها، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۱.
 ۹. غزالی، ابوحامد، إحياء العلوم الدین، محقق، حافظ عراقی، عبدالرحیم‌بن حسین، [بی‌جا]: دارالکتب العربی، [بی‌تا].
 ۱۰. مصباح یزدی، محمدتقی، قرآن در آیین نهج البلاغه، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۹.
 ۱۱. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، [بی‌جا]، [بی‌نا]، [بی‌تا].
 ۱۲. موسوی خمینی، سید روح‌الله، آداب الصلاة، چاپ ششم، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۸.
 ۱۳. —، صحیفه امام، چاپ پنجم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۹ش.
 ۱۴. —، کشف الاسرار، [بی‌جا]، [بی‌نا]، [بی‌تا].
 ۱۵. —، ولایت فقیه، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، [بی‌تا].